



دعاوی شورای حل اختلاف در رویه دادگاهها

حسین زینالے
وکیل پایه یک دادگستری



فهرست کلی

۱۱	معرفی نهاد شورای حل اختلاف و نمونه اوراق قضائی
۱۳	معرفی صلاحیت شورای حل اختلاف
۱۴	مبحث اول: صلاحیت ذاتی شوراهاى حل اختلاف
۲۶	مبحث دوم: صلاحیت محلی شورای حل اختلاف
۲۷	مبحث سوم: تشریفات رسیدگی در شوراهاى حل اختلاف
۳۱	مبحث چهارم: نحوه رسیدگی در شورا
۳۵	مبحث پنجم: آراء صادره در شورا
۴۵	دعاوى در صلاحیت شورای حل اختلاف در آرای دیوان عالی کشور
۴۷	مبحث اول: آرای وحدت رویه دیوان عالی کشور
۵۶	مبحث دوم: آرای شعب دیوان عالی کشور
۸۷	صلاحیت شورای حل اختلاف در آرای دادگاهها
۱۲۱	دعاوى در صلاحیت شورای حل اختلاف در نشستهای قضائی
۲۴۱	دعاوى در صلاحیت شورای حل اختلاف در نظریه‌های مشورتی
۲۴۹	شورای حل اختلاف در قوانین و مقررات
۲۵۱	قانون شورای حل اختلاف مصوب ۱۳۹۴
۲۶۳	آیین نامه اجرایی قانون شوراهاى حل اختلاف
۲۷۵	منابع و مآخذ

فهرست جزئی

۱۱	معرفی نهاد شورای حل اختلاف و نمونه اوراق قضائی
۱۳	معرفی صلاحیت شورای حل اختلاف
۱۴	مبحث اول: صلاحیت ذاتی شوراهاى حل اختلاف
۱۴	گفتار اول: صلاحیت سازشی شورا
۱۵	گفتار دوم: صلاحیت قضائی شوراها
۲۲	گفتار سوم: دعاوی غیر قابل طرح در شورا حتی با توافق طرفین
۲۶	مبحث دوم: صلاحیت محلی شورای حل اختلاف
۲۶	گفتار اول: حدود صلاحیت محلی
۲۶	گفتار دوم: اختلاف در صلاحیت محلی شوراها
۲۷	مبحث سوم: تشریفات رسیدگی در شوراهاى حل اختلاف
۲۷	گفتار اول: تشکیل شوراها و اعضاء آنها
۳۱	مبحث چهارم: نحوه رسیدگی در شورا
۳۱	گفتار اول: تشریفات رسیدگی در شورا

گفتار دوم: نحوه رسیدگی در شورا	۳۲
گفتار سوم: هزینه رسیدگی در شورا	۳۳
مبحث پنجم: آراء صادره در شورا	۳۵
گفتار اول: رأی حضوری	۳۵
گفتار دوم: اعتراض به رأی غیابی (واخواهی).....	۳۵
گفتار سوم: تجدیدنظر از آراء شورا	۳۶
گفتار چهارم: تصحیح رأی	۳۷
گفتار پنجم: اجرای احکام شورا	۳۸
دعاوی در صلاحیت شورای حل اختلاف در آرای دیوان عالی کشور	۴۵
مبحث اول: آرای وحدت رویه دیوان عالی کشور	۴۷
۱. صلاحیت شورا در رسیدگی به رانندگی بدون پروانه	۴۷
مبحث دوم: آرای شعب دیوان عالی کشور	۵۶
۱. صلاحیت دادگاهها در رسیدگی به دعاوی بین ادارات دولتی	۵۶
۲. صدور گواهی انحصار وراثت از شورای حل اختلاف	۵۸
۳. صلاحیت شورای حل اختلاف در موارد مصرح در قانون	۶۰
۴. مرجع صالح در رسیدگی به اختلاف بین خریدار و عرضه کننده خودرو	۶۱
۵. تعهد زوج به انجام تعهدات در شورای حل اختلاف	۶۲
۶. رسیدگی به ادعای ترک انفاق در شورای حل اختلاف	۶۷
۷. مرجع رسیدگی به دعاوی مطالبه بهای املاک تملک شده دولت و شهرداریها	۷۰
۸. رسیدگی به دعاوی پرداخت نفقه	۷۲
۹. صدور گواهی عدم امکان سازش	۷۴
۱۰. مراجعه به شورای حل اختلاف به منظور اخذ مدارک مربوط به وقوع طلاق	۷۷
۱۱. صلاحیت شورای حل اختلاف در تصحیح نام کوچک	۸۴
۱۲. طرح دعاوی مطالبه دستمزد کارگری در شورای حل اختلاف کارگر و کارفرما	۸۵
صلاحیت شورای حل اختلاف در آرای دادگاهها	۸۷
۱. قطعیت رأی دادگاه بدوی در مقام اعتراض به رأی شورای حل اختلاف	۸۹
۲. ابطال دستور تخلیه صادره از شورای حل اختلاف	۹۰
۳. قطعی بودن رأی دادگاه بدوی در مقام اعتراض از آرای شورای حل اختلاف	۹۲
۴. صدور گواهی حصر وراثت توسط شورای حل اختلاف	۹۴
۵. قطعیت رأی دادگاه بدوی راجع به اعاده دادرسی آراء شورای حل اختلاف	۹۵
۶. اعلام میزان خسارات ناشی از شکستن درختان و افتادن بر روی ماشینها توسط شورای حل اختلاف	۹۷
۷. تجدیدنظرخواهی از آراء شورای حل اختلاف	۹۹
۸. طرح دعاوی مطالبه خسارات بیکاری فرد به جهت توقیف اتومبیل در شورای	۱۰۱
۹. تجدیدنظر و اعاده دادرسی نسبت به آرای شورای حل اختلاف	۱۰۲

۱۰. اعاده دادرسی از آراء شورای حل اختلاف..... ۱۰۳
۱۱. آرای قابل تجدیدنظر شورای حل اختلاف..... ۱۰۶
۱۲. طرح دعوای خلعید در شورای حل اختلاف..... ۱۰۸
۱۳. اقدام به تأمین دلیل از طریق شورای حل اختلاف..... ۱۱۲
۱۴. درخواست صدور تخلیه از شورای حل اختلاف..... ۱۱۴
۱۵. صدور گواهی حصر وراثت از شورای حل اختلاف..... ۱۱۷
- دعاوی در صلاحیت شورای حل اختلاف در نشست‌های قضائی..... ۱۲۱**
 ۱. عدم امکان اجرای قرار تأمین خواسته توسط شورای حل اختلاف..... ۱۲۳
 ۲. صلاحیت شورا در رسیدگی به موضوع نگهداری تجهیزات دریافت ماهواره..... ۱۲۳
 ۳. تصمیم شورای حل اختلاف در اختلافات بین کارگر و کارفرما..... ۱۲۴
 ۴. آرای صادره از هیئت تشخیص یا شورای حل اختلاف..... ۱۲۴
 ۵. مرجع تجدیدنظر آرای شورای حل اختلاف..... ۱۲۵
 ۶. مجانی بودن رسیدگی به اعتراض آرای شورای حل اختلاف..... ۱۲۷
 ۷. اعتراض نسبت به رأی شورای حل اختلاف..... ۱۲۷
 ۸. اعتراض به آراء شورا خارج از مهلت..... ۱۲۹
 ۹. رعایت مهلت‌های تجدیدنظرخواهی و واخواهی در شوراها حل اختلاف..... ۱۲۹
 ۱۰. رأی صادره از دادگاه عمومی در مقام رسیدگی به تجدیدنظرخواهی از رأی شورای..... ۱۳۰
 ۱۱. عدم تعلق نیم عشر اجرایی به تصمیمات شورای حل اختلاف کارگر و کارفرما..... ۱۳۲
 ۱۲. صدور حکم غیابی شورای حل اختلاف..... ۱۳۲
 ۱۳. نحوه اجرای احکام آرای شورای حل اختلاف..... ۱۳۴
 ۱۴. رایگان بودن اجرای آرای شورای حل اختلاف..... ۱۳۶
 ۱۵. استناد به ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی برای اجرای احکام صادره از شعب..... ۱۳۷
 ۱۶. شکایت از عملیات اجرایی راجع به اجرای آرای شورای حل اختلاف (اعتراض ثالث اجرایی)..... ۱۳۹
 ۱۷. تعارض صلاحیت عام محاکم دادگستری با ماده ۱۸۹ قانون برنامه سوم توسعه..... ۱۴۱
 ۱۸. تبعیت شورای حل اختلاف از رأی دادگاه عمومی..... ۱۴۲
 ۱۹. اختلاف صلاحیت دو شورای حل اختلاف از دو حوزه قضائی یک استان..... ۱۴۳
 ۲۰. مرجع رسیدگی به شکایت ثالث از عملیات اجرایی احکام شورای حل اختلاف..... ۱۴۴
 ۲۱. مطالبه وجه چک به مبلغ ۱۸ میلیون ریال از شورای حل اختلاف..... ۱۴۵
 ۲۲. مرجع صالح دعوای مطالبه نفقه معوقه کمتر از ده میلیون ریال زوجه..... ۱۴۷
 ۲۳. موارد صلاحیت شورا..... ۱۴۸
 ۲۴. صلاحیت رسیدگی توأمان دعاوی در صلاحیت شورای حل اختلاف و دادگستری..... ۱۵۰
 ۲۵. عدم صلاحیت شورای حل اختلاف در اثبات وقوع عقد بیع..... ۱۵۱
 ۲۶. صلاحیت شورای حل اختلاف در الزام به تحویل زمین..... ۱۵۲
 ۲۷. عدم صلاحیت شورای حل اختلاف در دعاوی خانواده..... ۱۵۳

۲۸. دادگاه صالح به رسیدگی در صورت اقامت طرفین پرونده در حوزه‌های مختلف شورای حل اختلاف ۱۵۴
۲۹. مرجع صدور گواهی تحت تکفل ۱۵۵
۳۰. صلاحیت عام محاکم و عالی بودن درجه آن نسبت به شورای حل اختلاف ۱۵۶
۳۱. صدور حکم قلع و قمع توسط شورای حل اختلاف ۱۵۷
۳۲. صلاحیت رسیدگی شورای حل اختلاف در خواسته مطالبه یک میلیون تومان ۱۵۸
۳۳. اختلاف در صلاحیت بین دادگاه و شورای حل اختلاف ۱۵۸
۳۴. وکالت در شورای حل اختلاف ۱۵۹
۳۵. اعتراض به رأی شورای حل اختلاف ۱۶۱
۳۶. جهات رد در مورد مشاور شورای حل اختلاف با استفاده از مقررات قانون ۱۶۲
۳۷. صلاحیت شورای حل اختلاف در صدور قرار تأمین خواسته ۱۶۳
۳۸. شرایط رسیدگی به شکایات در شوراهای حل اختلاف ۱۶۵
۳۹. عدم صلاحیت شورا در رسیدگی به تخلفات بهداشتی ۱۶۶
۴۰. طرح دعوی الزام به تنظیم سند رسمی و تخلیه ملک در شورای حل اختلاف ۱۶۷
۴۱. دستور تخلیه ملک تجاری توسط شورای حل اختلاف ۱۶۸
۴۲. رسیدگی ماهوی در شورای حل اختلاف ۱۶۹
۴۳. تجمیع پرونده توسط شورا ۱۷۰
۴۴. صلاحیت شورا در رسیدگی به دعاوی مصروحه در قانون ۱۷۱
۴۵. رسیدگی به جرم راندگی بدون گواهی‌نامه در شورای حل اختلاف ۱۷۲
۴۶. رسیدگی به دعوی خلع‌ید از ملک در شورای حل اختلاف ۱۷۳
۴۷. مطالبه وجه سفته و خسارات تأخیر تأدیه در شورا ۱۷۴
۴۸. مهر و موم ترکه توسط شورای حل اختلاف ۱۷۵
۴۹. نیم عشر اجرایی در مورد حکم شورای حل اختلاف کارگر و کارفرما ۱۷۶
۵۰. اجرای احکام صادره شوراهای حل اختلاف و قانون محکومیت‌های مالی ۱۷۶
۵۱. اجرای رأی شورا ۱۷۷
۵۲. نگاهی بر ماده ۹ شورای حل اختلاف ۱۷۷
۵۳. اجرای احکام کیفری توسط شورا ۱۹۲
۵۴. صلاحیت شورا در جلب و بازرسی، ورود به منزل، صدور قرار تأمین ۲۰۳
۵۵. اقدام شورا در صورت عدم پرداخت جزای نقدی محکوم ۲۱۸
۵۶. صلاحیت شورای حل اختلاف دیوان عدالت اداری در اعتراض به آرای کمیسیون‌های ۲۲۵
- دعاوی در صلاحیت شورای حل اختلاف در نظریه‌های مشورتی ۲۴۱**
۱. اجرای حکم شورای عالی حل اختلاف کارگر و کارفرما ۲۴۳
۲. رسیدگی به دعوی اعسار از محکوم به مندرج در رأی شورای حل اختلاف ۲۴۴
۳. رسیدگی به اعتراض قرار تأمین خواسته صادره از شورا ۲۴۵
۴. صدور دستور تخلیه اماکن مسکونی توسط شورای حل اختلاف ۲۴۶

۲۴۶.....	۵. رسیدگی به دعاوی
۲۴۷.....	۶. اختلاف شورای حل اختلاف و هیئت حل اختلاف در صلاحیت
۲۴۷.....	۷. صلاحیت شورا در رسیدگی به جرائم با مجازات حداکثر سی میلیون ریال جزای نقدی یا سه ماه حبس
۲۴۹.....	شورای حل اختلاف در قوانین و مقررات
۲۵۱.....	قانون شورای حل اختلاف مصوب ۱۳۹۴
۲۶۳.....	آیین نامه اجرایی قانون شوراهای حل اختلاف
۲۷۵.....	منابع و مآخذ

مقدمه

معمولاً رویه عملی دادگاه‌ها در استنباط از قوانین و مقررات در جهت انطباق با مصادیق واقعی تا حدودی با آنچه در کلاس‌های تئوریک دانشگاه‌ها به دانشجویان حقوق آموزش داده می‌شود متفاوت است البته روند آموزشی و طریق ارائه مطالب در کلاس‌های درسی هم به شکلی است که برای طی مراحل تحصیلی صرف مطالعه و پاسخ به سؤالات به صورت تئوری و بدون تطبیق با مصادیق عملی کفایت می‌کند. به این ترتیب معمولاً چون امکان انجام کار عملی حین تحصیل در دانشگاه برای دانشجویان این رشته وجود ندارد فارغ‌التحصیلان وقتی مشغول به کار می‌شوند با کمبود آگاهی و اطلاعات از رویه قضائی و شیوه استدلال و استنباط عملی دادگاه‌ها مواجه هستند؛ لیکن اهمیت آگاهی از رویه قضائی با اشتغال به کار و فعالیت بر هیچ فارغ‌التحصیل حقوقی پوشیده نیست. بی‌تردید تنها منبع آموزش عملی وکالت، قضاوت و به‌طور کلی رشته حقوق، قبل از حضور عملی در دادگاه‌ها و جلسات رسیدگی، رویه‌های قضائی می‌باشد؛ به عبارت دیگر، مطالعه تصمیمات، پرسش و پاسخ‌ها و اختلاف نظرهای کسانی که هر روز به صورت عملی در حال انطباق قوانین با مصادیق واقعی هستند می‌تواند اطلاعات کاربردی و عملی را در اختیار خوانندگان قرار دهد.

اگرچه فارغ‌التحصیلان حقوق بیش از سایرین به مطالعه رویه قضائی نیازمند هستند؛ اما هیچ قشری از جامعه بزرگ رشته حقوق قضائی بی‌نیاز از مطالعه و تحقیق و تفحص در این حوزه علمی نمی‌باشد؛ زیرا رویه قضائی در واقع محرک رشته حقوق است که دائم در حال تغییر و تحول می‌باشد و غفلت از این حوزه موجب عقب‌ماندگی از علم واقعی حقوق و جامعه حقوقدانان خواهد شد. از این رو ناشران تخصصی این حوزه، هرکدام به طریقی نسبت به جمع‌آوری و انسجام‌بخشی به مطالب و موضوعات راجع به رویه قضائی اقدام می‌کنند که انتشارات چراغ دانش نیز در همین راستا و برای انجام بخشی از وظایف فرهنگی خود در نظر دارد نسبت به تدوین و جمع‌بندی مطالب رویه قضائی به صورت منظم و منحصربه‌فرد با ویژگی‌های مخصوص برای هر دعوا طی یک کتاب جداگانه به صورت کاربردی و با دسترسی آسان به مطالب هر دعوا اقدام نماید لذا در راستای تأمین این هدف، مجموعه‌ای از کتاب‌ها تحت عنوان کلی «دعوی... در رویه دادگاه‌ها» که شامل موارد زیر است تدوین و تألیف خواهد شد:

۱. آراء وحدت رویه؛

۲. آرای اصراری؛

۳. آراء شعب دیوان عالی کشور؛

۴. آراء دادگاه‌های بدوی و تجدیدنظر؛

۵. نشست‌های قضائی؛

۶. نظریه‌های مشورتی؛

۷. قوانین و مقررات مرتبط با موضوع؛

۸. نمونه دادخواست و معرفی دعوا.

در این مجموعه سعی شده است رویه قضائی کشور در خصوص هر دعوا به صورت منسجم و منظم گردآوری شود تا وکلا، حقوقدانان و قضات محترم در مراجعه به رویه قضائی در کمترین زمان به بهترین وجه مطالب مطلوب خود را یافته و استفاده نمایند. با توجه به تعدد بسیار آراء دادگاه‌ها (دادگاه بدوی و تجدیدنظر) در برخی موارد حداکثر سعی بر آن بوده از موارد متفاوت آراء صادره در موضوع نمونه در قسمت رأی آورده شود و همچنین در سایر موارد؛ مثل آراء وحدت رویه، آراء دیوان عالی کشور، موارد مرتبط به موضوع ذکر شده است تا با توجه به اهمیت این آراء مورد استفاده خوانندگان و مراجعه‌کنندگان عزیز قرار گیرد. مختصر ویژگی‌های کتاب:

۱. تدوین و گردآوری منظم و منسجم تمام مطالب مربوط به دعوا؛

۲. تقسیم‌بندی موضوعی برای هر کدام از مطالب؛

۳. ارائه معرفی دعوا و نمونه دادخواست در اول مجموعه؛

۴. ذکر عنوان برای هر مطلب به صورت خلاصه در فهرست؛

۵. دسترسی سهل و آسان به مطلب دلخواه در کمترین زمان.

«گروه پژوهشی» انتشارات مفتخر خواهد شد از تجربیات، آراء و سایر مطالب حقوقی موجود نزد اساتید، وکلا، حقوقدانان و سایر همکاران در راستای مفیدتر شدن مجموعه در چاپ‌های بعدی استفاده نماید. لذا موجب خرسندی خواهد بود که خوانندگان عزیز از هر صنف ضمن ارسال انتقادات و پیشنهادات خود در مورد هر کدام از موضوعات به صورت (کتبی یا از طریق ایمیل یا تلفنی) ما را در پر بار کردن مجموعه حاضر یاری فرمایند.

مدیر مسئول انتشارات

فصل اول

معرفی نهاد شورای حل اختلاف و
نمونه اوراق قضائی

معرفی صلاحیت شورای حل اختلاف

«شوراهای حل اختلاف»، به منظور افزایش سرعت رسیدگی به پرونده‌ها و دعاوی و اختلافات به وجود آمدند و صلاحیت رسیدگی در خصوص بسیاری از دعاوی کوچک حقوقی و مدنی را دارند. حل و فصل دعاوی از طریق صلح و سازش از دیرباز در ایران رواج داشته، ماده ۱ قانون شورای حل اختلاف، تشکیل این نهاد تحت نظارت قوه قضائیه را به منظور حل اختلاف و صلح و سازش بین اشخاص حقیقی و حقوقی غیردولتی معرفی نموده است و نکته مهم در خصوص شوراها این است که متأسفانه اجرای قانون و عمل به آن توسط افرادی در این تشکیلات اعمال می‌گردد که بعضاً از دانش حقوقی لازم برخوردار نبوده و خود و مراجعین را دچار دردسر می‌سازند.

مبحث اول: صلاحیت ذاتی شوراهای حل اختلاف

گفتار اول: صلاحیت سازشی شورا

شورای حل اختلاف، دارای دو صلاحیت ذاتی و سازشی می‌باشد. مواردی که شوراها با تراضی طرفین برای صلح و سازش اقدام می‌نمایند، شامل امور ذیل می‌باشد:

۱. کلیه امور مدنی و حقوقی: در خصوص این مورد که در ماده ۸ قانون شوراهای حل اختلاف، مراتبی لازم به ذکر است بدین شرح: صدر ماده با تبصره آن مغایرت دارد؛ زیرا در صدر ماده چنین به ذهن متبادر می‌گردد که طرفین از قبل در خصوص طرح دعوا در شورا با یکدیگر به توافق رسیده‌اند، ولیکن در تبصره ماده می‌بینیم که بیان شده، گویا یکی از طرفین در این خصوص اطلاعی نداشته و بعد از اطلاع عدم تمایل خود را در خصوص حل اختلاف در شورا بیان می‌دارد. در هر صورت، در حالتی که یکی از طرفین تمایلی به سازش نداشته باشد می‌بایستی تا پایان جلسه اول این موضوع را مطرح نماید. در این مرحله شورا حق صدور حکم را نداشته و فقط می‌تواند اقدام به تنظیم گزارش سازشی نماید. درخواست سازش در خصوص کلیه دعاوی مدنی و کیفری است که حتی ذاتاً رسیدگی به آنها در صلاحیت شورا نباشد مثل دعاوی خانوادگی چون طلاق و ... و این درخواست می‌تواند از ناحیه خوانده نیز صورت پذیرد. بدین صورت که خواننده یک دعوا، درخواست سازش خود را در این راستا به شورای حل اختلاف تقدیم نماید.

۲. سازش در خصوص کلیه جرائم قابل گذشت: جرائم قابل گذشت شامل آن دسته از جرائمی است که شروع یا ادامه تعقیب و رسیدگی و اجرای مجازات منوط به شکایت شاکی و پیگیری و عدم گذشت وی است که در ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی جرائم قابل گذشت مشخص گردیده و به موجب ماده ۱۰۳ این قانون: «چنانچه قابل گذشت بودن جرمی در قانون تصریح نشده باشد، غیر قابل گذشت محسوب می‌شود مگر اینکه حق الناس بوده و شرعاً قابل گذشت باشد.»

لذا در خصوص این دسته از جرائم، طرفین دعوا می‌توانند در صورت تمایل به سازش جهت تنظیم سازش نامه به شورای حل اختلاف مراجعه نمایند.^۱

۱. برای مطالعه بیشتر به ماده ۲۴ قانون شورا مراجعه شود.

نکته قابل ذکر اینکه از دیگر موارد صلاحیت سازشی شورا ماده ۱۱ قانون شورا می‌باشد که طی آن دادگاه می‌تواند با توجه به کیفیت دعوا فقط یک‌بار برای مدت سه ماه موضوع در زمینه دعاوی خانواده و سایر دعاوی مدنی و جرائم قابل گذشت را جهت صلح و سازش به شورا ارجاع نماید و شورا مکلف است تمامی تلاش خود را جهت سازش به عمل آورد و نتیجه را جهت اخذ تصمیم دادگاه که اعم از تنظیم گزارش اصلاحی یا ادامه رسیدگی است را به طور مستند اعلام نماید.

۳. جنبه خصوصی جرائم غیر قابل گذشت: جرائم غیر قابل گذشت به استناد ماده ۸ قانون آیین دادرسی کیفری می‌تواند دو جنبه داشته باشد:

۱. جنبه عمومی؛

۲. جنبه خصوصی که همان تعدی به حقوق شخص یا اشخاص معین است و از آن جهت که دعوی خصوصی برای مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم یا مطالبه کیفرهایی که به موجب قانون، حق خصوصی بزه‌دیده است مانند حق قذف و قصاص،^۱ لذا طرفین دعوا می‌توانند جهت صلح و سازش در خصوص جنبه خصوصی دعاوی غیر قابل گذشت به شوراها مراجعه نمایند.

گفتار دوم: صلاحیت قضائی شوراها

مطابق ماده ۹ قانون شورای حل اختلاف مصوب ۹۴ در موارد زیر، قاضی شورا با مشورت اعضای شورا رسیدگی و مبادرت به صدور رأی می‌نماید و در واقع در موارد ذیل شورا صلاحیت قضائی جهت رسیدگی را دارد.

الف) دعاوی مالی راجع به اموال منقول تا نصاب دویست میلیون ریال: در این خصوص لازم به توضیح است که چون در قانون سابق حد نصاب مالی پنجاه میلیون ریال بوده، لذا کلیه دعاوی که در تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون در دادگستری مطرح می‌باشند هم کماکان صلاحیت رسیدگی را دارند.

توجه به این نکته ضروری است که ملاک حد نصاب، اصل خواسته است بدون در نظر گرفتن هزینه دادرسی، کارشناسی و حق‌الوکاله وکیل و در ماده ۶۲ قانون آیین دادرسی مدنی نحوه تعیین بهای خواسته مشخص گردیده است.

۱. حسین گرامی و مجتبی فرهمند، شرح ماده به ماده قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۳۹۴، تهران، جنگل، ۱۳۹۵، ص ۳۳.

از آنجایی که تعیین و تقویم خواسته علاوه بر تعیین صلاحیت مرجع رسیدگی آثار دیگری من جمله قابلیت تجدیدنظر و فرجام خواهی رأی صادره را مشخص می نماید؛ لذا اگر خوانده به تقویم خواسته خواهان تا اولین جلسه دادرسی ایراد نماید شورا جهت تعیین تکلیف، بهای خواسته را با جلب نظر کارشناس تعیین می کند تا اختلاف ایجاد شده که مؤثر در مراحل بعدی دعواست حل گردد.^۱

البته این مورد در تبصره ماده ۹ قانون شورا به صورت قید «عنوان قبل از شروع رسیدگی» آورده شده که همان تا اولین جلسه دادرسی تلقی می گردد. باید توجه داشت که ملاک صلاحیت، تقویم در زمان تقدیم دادخواست است؛ لذا در صورتی که خواسته در جریان رسیدگی افزایش یابد تأثیری در صلاحیت مرجع رسیدگی نخواهد داشت.

در خصوص ضابطه تشخیص دعاوی مالی از غیر مالی معاونت آموزش قوه قضائیه در خصوص تعریف حق مالی بیان داشته که: «حق مالی آن است که با اجرای آن مستقیماً برای دارنده ایجاد منفعتی نماید که قابل تقویم به پول باشد؛ مانند حق مالکیت نسبت به خانه که مستقیماً برای دارنده آن ارزش پولی دارد.»^۲

باید به این نکته توجه نمود که دعاوی راجع به اموال غیرمنقول، قابلیت طرح در شورای حل اختلاف را ندارند. البته دو عنوان «دعوی راجع به اموال غیرمنقول» با «دعوی غیرمنقول» تفاوت دارند.^۳

بدین توضیح که اگر دعوا موضوع مستقیماً مال غیرمنقول و حقوق مربوط به آن باشد دعوا غیرمنقول است و اگر موضوع دعوا به طور مثال الزام خوانده به انجام تعهد در خصوص مال غیرمنقول باشد، دعوا منقول محسوب می گردد.

ب) تمامی دعاوی مربوط به تخلیه عین مستأجره به جز دعاوی مربوط به سرقتی و حق کسب و پیشه: دعاوی مربوط به سرقتی و حق کسب و پیشه را می توان به ترتیب زیر دسته بندی کرد:

۱. رجوع به مواد ۶۲ و ۶۳ قانون آ.د.م.

۲. عبدالله شمس، آیین دادرسی مدنی، جلد اول، ص ۳۸۷.

۳. حسین گرامی و فرهمند مجتبی، همان، ص ۴۷.